

۱ بیدل ۰۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم ❖

در گلستانیکه بیدل نوبر بسلیم کرد سایه هم یکپایه برتر بود از دیوارها - ۲۸۶

**

کو مقامیکه از شکوه معنیت لبریز نیش غفلت است اینها که بیدل گویدت اینجا بیا - ۳۲۴

**

ز ابنای زمان بیهوده درد سر مکش بیدل اگر باری نداری التفات چیست با خرها - ۲۰۳

نامه ای دارم بهار انشا که طبع بلبش چون صریرخامه پیش از خط غزل خوانی میکند - ۶۴۳

**

بیدل چومه نوبسجود که خمیدی کامروز چراغ تو ز محراب بر آمد - ۶۵۳

**

۲ بیدل ۰۰۱

بیدل بوادی ء عجز کم بود راه مقصود قاصد پیام حیرت از ما به پیش ما برد - ۱۰۶۰

**

بیدل چو شمع برخط تسلیم خاک شو ای پرشکسته درقفس آتشفتاده است - ۵۷۶

**

بیدل از خورشید عالمتاب باید وارسید یکدل روشن چراغ هفت کشورداشتست -

**

برخط تسلیم رو بیدل که مانند هلال پای سیر آسمانت نقش پیشانی بس است - ۴۹۳

**

بیدل اگر نه طبع تومشاطگی کند آئینه دار شاهد معنی بیان کیست - ۷۲۴

**

ساز بزم عدمم لیک نوائیکه مراست نام بیدل زلب یارشنودن بوداست -

۳ بیدل ۰۰۱

**

بیدل از جرگهء اوهام بدر زن کاینجا عالمی لاف خرد دارد و سودا زده است - ۵۹۰

**

بذیر و کعبه کارت چیست بیدل اگر فهمیده ای دل خانه ء کیست - ۷۲۸

**

نفس هوس خیالان بهزار نغمه صرف است سر درد سر ندارم من بیدل و دعایت

**

دست ترحم کیست مژگان بیدل ما برهر که چشم وا شد پیش از نگه دعا کرد

**

بیدل بهر تب و تاب ممنون التفاتیست نا مهربان بیائید یا مهربان بیائید

**

۳ بیدل ۰۰۱

بیدل نشدم دچار تحقیق آئینه بدست من شب آمد

**

همه کس کشیده محمل بجناب کبریایت من و خجالت سجودیکه نکرده ام برایت

**

شرم بیدردی عرق میخواهد ای بیدل مباد بی نمی ها دیده را محتاج پیشانی کند

**

بیدل چو مه نو بسجده که خمیده ای کامروز چراغ تو زمحراب بر آمد

**

هیچ میرس از خجالت نارسائیم لافم اگر جنون کند تا برسم نمیرسد

**

چمن تحیر بیدلم که سحاب رشهء خامه اش بتامل گهر افگند سرقطره ئی که نگون کند